

۱۵۲۳۱۳۴

انتقال بین نسلی در آمد و نقش سیاستهای آموزشی و باز توزیعی

مؤلف: مارک اسکاد

ترجمه:

دکتر وحید مهربانی

سرشناسه	اسکاد، ماریک (Mareike Schad)
عنوان و پدیدآور	انتقال بین نسلی درآمد و نقش سیاستهای آموزشی و باز توزیعی / مؤلف:
مشخصات نشر	ماریک اسکاد ترجمه: دکتر وحید مهربانی.
مشخصات ظاهری	تهران: نور علم.
شابک	۲۰۴ص.
وضعیت فهرست‌نویسی	۸-۲۳۳-۱۶۹-۶۰۰-۹۷۸
موضوع	بر اساس اطلاعات فیبا (فهرست‌نویسی پیش از انتشار).
موضوع	اقتصاد آموزش.
شناسه اف‌ن‌ه	سیاستهای آموزشی.
رده بندی کنگ	مهربانی، وحید، ۱۳۵۹، مترجم.
رده‌بندی دی‌ی	۱۳۹۶ ۱۹ الف ۵ / LC ۳۷۰/۱۹
	۳۷۰/۱۹ :

نشر نور علم: تهران - خ انزلی - ۱۲ فروردین - نبش نظری - پ ۹۸ - - تلفن: ۶۶۴۰۵۸۹۴ و ۶۶۴۰۵۸۸۰
 nooreelm@yahoo.com ۰۹۱۲۳۳۳۴۲۲۹ فروشگاه در تهران: دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

عنوان: انتقال بین نسلی درآمد و نقش سیاستهای آموزشی و باز توزیعی
 مؤلف: ماریک اسکاد
 ترجمه: دکتر وحید مهربانی (عضو هیأت ا - دانشگاه تهران)
 ناشر: نور علم
 شمارگان: ۵۰۰ جلد
 شابک: ۸-۲۳۳-۱۶۹-۶۰۰-۹۷۸
 نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶.
 چاپ و صحافی: الف‌دیر
 قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

فروشگاه در تهران: دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران پایگاه اینترنتی: www.nooreelm.com

موبایل کار: در صورت عدم دسترسی به کتابهای این انتشارات، از طریق تماس با شماره زیر
 ۰۹۱۲۳۳۳۴۲۲۹ کتابها با پست به تمام نقاط ایران ارسال می شود.

فهرست عناوین

۴	چکیده
۵	انشاء مترجم
۶	مقدمه کلی و انگیزش
۱۱	بخش اول: آموزش و انتقال بین نسلی درآمد
۱۳	فصل ۱: مقدمه
۱۷	فصل ۱:۱: درون مرتبط
۲۷	فصل ۳: ۱-۳: یاس، آموزش و انتقال بین نسلی درآمد
۲۸	۱-۳ آموزش دولتی و بایری فرصت
۲۸	۱-۱-۳ همبستگی بین سلسله درآمدهای دوران زندگی
۳۳	۲-۱-۳ اثر سیاست آموزش دولتی
۳۶	۲-۳ آموزش دولتی و سرمایه گذاری خصوصی در سرمایه انسانی
۳۷	۱-۲-۳ سرمایه گذاری خصوصی در سرمایه انسانی و انتقال درآمد
	۲-۲-۳ آموزش دولتی، سرمایه گذاری خصوصی در سرمایه انسانی و انتقال
۴۵	درآمد
۵۳	۳-۲-۳ اثر سیاست آموزش دولتی
۵۶	۳-۳ دلالت ها
۵۹	فصل ۴: پایداری بین نسلی درآمد در آلمان: نقش آموزش و شغل
۶۰	۱-۴ پایداری درآمد در بین نسل ها
۶۰	۱-۱-۴ مبانی نظری
۶۲	۲-۱-۴ بی تحرکی درآمد در بین نسل ها

۶۹	۴-۲ انتقال بین نسلی نابرابری درآمدی
۶۹	۴-۲-۱ تجزیه پایداری بین نسلی درآمد
۷۴	۴-۲-۲ مسیرهای انتقال بین نسلی
۹۷	۴-۳ دلالت‌ها
۱۰۱	فصل ۵: نتیجه‌گیری
۱۰۵	بخش دوم: باورهای اجتماعی درباره انتقال درآمد و تقاضا برای بازتوزیع
۱۱۳	فصل ۷: ادبیات مرتبط
۱۱۹	فصل ۸: باورهای اجتماعی و سیاست بازتوزیعی
۱۲۰	۸-۱ انگیزه کارکنان و تقاضا برای بازتوزیع
۱۲۰	۸-۱-۱ تقاضای بهینه برای شرایط اطمینان
۱۲۹	۸-۱-۲ تصمیم بهینه در شرایط نااطمینانی: یادگیری سلسله‌ای
۱۳۴	۸-۲ باورهای اجتماعی، نابرابری و تقاضا برای بازتوزیع
۱۳۵	۸-۲-۱ باورهای باثبات و تعادل بلندمدت
۱۴۱	۸-۲-۲ عوامل مؤثر بر تعادل بلندمدت
۱۵۲	۸-۲-۳ برابری فرصت و انتقال درآمد
۱۵۶	۸-۳ دلالت‌ها
۱۶۱	فصل ۹: انتقال درآمد و ترجیحات بازتوزیع: مشاهدات تجربی
۱۶۵	فصل ۱۰: نتیجه‌گیری
۱۶۹	اظهارات پایانی
۱۷۲	منابع
۱۷۷	پیوست

چکیده

اقدامات مؤثر در عرصه سیاست بازتوزیعی ممکن است نابرابری اقتصادی را کاهش دهد و برابری فرصت را افزایش دهد. این موضوع که چنین اقداماتی منجر به افزایش انتقال بین نسلی درآمد نیز می‌شوند، موضوع محوری این کتاب را تشکیل می‌دهد.

بخش اول این کتاب با تمرکز بر آموزش به تحلیل اثر سیاست آموزش بر انتقال بین نسلی درآمد می‌پردازد. آنچه از این تحلیل حاصل می‌شود این است که اثر مذکور به شدت به این مسائل بستگی دارد که سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی در سرمایه‌انسانی چگونه به یکدیگر وابسته‌اند. به علاوه، تأثیر آموزش بر قوت ارتباط اقتصادی میان والدین و کودک از جنبه تجربی در رابطه با کشور آلمان مورد بررسی قرار می‌گیرد. این تحلیل عواملی همچون آموزش، شغل یا دربر می‌گیرد تا عدم انتقال بین نسلی درآمد را توضیح دهد. در اینجا اثبات می‌شود که آموزش مهم‌ترین ساز و کار در آلمان است که از طریق آن منافع و عدم صرفه‌های اقتصادی در بین نسل‌ها منتقل می‌شوند. از این رو، بر اساس نظریه و شواهد تجربی، انباشت سرمایه‌انسانی و موفقیت اقتصادی نقشی حیاتی دارد.

روی سخن در بخش دوم کتاب، به باورهای اجتماعی راجع به عوامل اصلی موفقیت اقتصادی است که در پی تجارب انتقال درآمد شخصی ظاهر می‌شوند. در واقعیت، تفاوت دیدگاه‌های اجتماعی در بین کشورها می‌تواند تفاوت بین الگوهای انگیزه‌های کار کردن و ترجیحات مربوط به دولت رفاه را توضیح می‌دهد. انتقال بین نسلی درآمد در درون جامعه از نابرابری فرصت و همچنین تمایل افراد به سرمایه‌گذاری در آموزش ناشی می‌پذیرد. اقدامات سیاستی مؤثر که برابری فرصت را تقویت می‌کنند، می‌توانند انگیزه کار کردن را افزایش یا کاهش دهند. با این وصف، اینکه چنین اقدامات سیاستی انتقال بین نسلی درآمد را افزایش می‌دهند، موضوعی مبهم است. این مسأله به باورهای اجتماعی و درجه نوع-دوستی سلسله‌ای^۱ در درون جوامع بستگی دارد.

انشاء مترجم

یکی از موضوعاتی که مدت‌ها دغدغه ذهنی‌ام را تشکیل می‌داد، منتقل شدن شرایط اقتصادی افراد از نسلی به نسل بعد بود به طوری که برخی افراد به دلیل زاده شدن در خانواده‌ای فقیر و لذا عدم دسترسی کافی به امکانات لازم برای پیشرفت در مسیر تحرک اجتماعی، فقرای جامعه در نسل بعد را شکل می‌دهند و همین رویه همچون زنجیره‌ای تداوم می‌یابد. برعکس، کسانی که در خانواده‌های مرفه پا به دنیا می‌گذارند، خود را همواره در شرایطی مهیا برای دستیابی به هر امتیاز و منصبی می‌یابند و از این رو به اغنیاء نسل بعد تبدیل می‌شوند. به بیان دیگر، مردم در لایه‌های نفوذناپذیر زندگی می‌کنند و نابرابری بین آنها در طول زمان پایدار می‌ماند. شکستن این حصار و فرصت دادن به محرومان جامعه براد شکوفایی توانایی‌ها و فائق آمدن بر فقر و محرومیت ناخواسته، نیازمند دسترسی به امکانات مانند آموزش است که به تبع آن بتوان موقعیت نازل اقتصادی - اجتماعی را ارتقاء بخشید.

زمانی که با کتاب پیش‌رو آشنا شدم، به قرابت موضوعی آن با آنچه در ذهن داشتم پی بردم و در ترجمه آن درنگ نکردم. یکی از اهداف اصلی در این راه، قابل استفاده ساختن منابعی برای مطالعه در زمینه یکی از نقش‌های مهم و خاص آموزش در حیات اقتصادی - اجتماعی انسان‌هاست. از آنجا که معمولا دانشجویان رغبتی به مطالعه متون غیر فارسی ندارند، بر آن شدم تا این کتاب را ترجمه کنم که این کار حدوداً سه ماه وقت گرفت. محققان در رشته اقتصاد به خصوص آن عده که ترجمه خاصی به «اقتصاد آموزش» و سیاست‌های آموزشی دارند، می‌توانند از این اثر منتفع گردند. بر معلومات خود بیفزایند. یکی از جنبه‌های خوب این کتاب، تحلیل نقش خانواده‌ها به عنوان سرمایه‌گذاران خصوصی و دولت به مثابه سرمایه‌گذار عمومی در سرمایه‌انسانی و ارتباط این دو مقوله و نتایج آن است. همانند سایر کتبی که ترجمه کرده‌ام، در اینجا نیز سعی کردم رعایت امانت کرده، آنچه مد نظر نویسنده است را به خواننده منتقل نمایم. البته متوجه شدم که در اندک مواردی، اشکالاتی در فرمول‌های ریاضی وجود دارد که در ترجمه آنها را برطرف کردم. امیدوارم این کتاب نیز در کنار سایر منابعی که در حیطه «اقتصاد آموزش» آماده ساخته‌ام، مفید باشد.

وحید مهربانی

دانشگاه تهران، تابستان ۱۳۹۶

مقدمه کلی و انگیزش

“گرایش گذشته به این است که آینده را بیلعد”

توماس پیکتی^۱

توماس پیکتی در کتابش با عنوان “سرمایه در قرن بیست و یکم”، بی تردید روح دوران را به چنگ گرفت. او با استفاده از داده‌های ۲۰ کشور که تا قرن هجدهم به عقب برمی‌گردد، پویایی بیش‌برندهٔ انباشت و توزیع سرمایه را مورد توجه قرار داد. یافتهٔ اصلی او تکان‌دهنده است: گروه کوچکی از مردم ثروتمندتر و ثروتمندتر می‌شوند در حالی که اکثریت باقیمانده هیر می‌مانند. سلسله‌های خانوادگی معدودی از طریق انتقال ثروت به فرزندان‌شان، بخش عمده‌ای از منابع اقتصادی را کنترل می‌کنند. بنابراین، زمینهٔ خانوادگی^۲ و لذا زاد و ولد و نه عملکرد فرد تعیین‌کنندهٔ منزلت اجتماعی و موفقیت اقتصادی است. به احتمال زیاد، سطح درآمد قویاً در بین ماها بایدار باقی می‌ماند. بر این اساس، همان‌طور که پیکتی (۲۰۱۴) بیان می‌کند: “گرایش گذشته به این است که آینده را بیلعد”. با وجود ارتباط قوی میان والدین و فرزند، دشوار بتوان تصور کرد که برابری فرصت وجود دارد. با فرض اینکه نابرابری درآمد در جامعه زیاد است، اگر بی‌آبرو می‌شوند. در این صورت، انتقال بین نسلی درآمد^۳ مهم است زیرا منافع زیادی در بالا رفتن نردبان درآمد وجود دارد. تشریح انتقال بین نسلی درآمد از جنبهٔ نظری و تجربی موضوع اصلی این کتاب است. برخلاف پیکتی (۲۰۱۴)، محور بحث اختصاصاً بر درآمد نیروی کار است.

با تحلیل ارتباط اقتصادی والدین و فرزند، انتقال بین نسلی درآمد احتمال فراز و فرود اجتماعی بین نسل‌ها را توصیف می‌کند. از این پس، انتقال بین نسلی درآمد با عنوان انتقال درآمد یا به طور ساده، انتقال، مورد اشاره قرار می‌گیرد. با توجه به انعطاف‌پذیری اجتماعی، انتقال زیاد درآمد در بین نسل‌ها از جنبه‌های مختلفی مطلوب است. این امر هماهنگی اجتماعی را حفظ می‌کند: در جوامع سیال، هر کسی می‌تواند بر اساس مهارت‌ها،

۱. نقل از: Piketty (2014, p.378)

2. family background

3. intergenerational income mobility

توانایی‌ها و عملکرد فردی از فقر به توانگری جابجا شود. این مطلب دلالت بر آن دارد که زمینه خانوادگی آن قدر هم اهمیت ندارد، بنابراین چنین جوامعی گرایش دارند تا فرصت‌های کاملاً برابری را فراهم کنند. همچنین انتظار می‌رود که درآمد در این جوامع به طرز نسبتاً منصفانه‌ای توزیع شود. به علاوه، جابجایی از طریق تنظیم بیشتر انگیزه کار کردن بر اثربخشی و کارآیی جامعه تأثیر می‌گذارد و افراد را قادر می‌سازد تا مهارت‌ها و استعدادهایشان را به شیوه‌ای سودمند برای جامعه بکار بگیرند. از این رو، چنین جامعه‌ای توان اقتصادی کاملش را بیرون می‌کشد.

در چند دهه گذشته، شکاف میان فقیر و غنی در بیشتر کشورهای صنعتی دوباره رو به افزایش گذاشته است.^۱ بنابراین، تقاضا برای عدالت اجتماعی با صدای بلندتری در حال رشد است. اقدامات یابستی که نابرابری اقتصادی را در جامعه کم می‌کنند، ممکن است بیش از این فرصت‌های برابرتری را فراهم آورند. یک مثال از چنین اقداماتی عبارت است از آموزش دولتی.^۲ بر اساس رور اقدامات سیاستی بازتوزیعی^۳، برابری فرصت به عنوان معیاری برای این موضوع عمل می‌کند که مسائل عدالت اجتماعی چگونه حل می‌شوند.^۴ با وجود این، علاوه بر برابری فرصت، انتقال نسبی بین نسلی درآمد نیز برای ارزیابی توزیع درآمد در یک جامعه و تغییرات آن در طول زمان و بین نسل‌ها حائز اهمیت است. با توجه به افزایش نابرابری درآمد در دهه‌های گذشته، جمع‌آوری از متون وجود دارد که نشان می‌دهد این پدیده با کاهش انتقال بین نسلی درآمد همراه بوده است.^۵ سؤال محوری کتاب این است که آیا اقدامات سیاستی بازتوزیعی که می‌توانند فرصت‌های برابرتری را ایجاد کنند، در تشدید انتقال بین نسلی درآمد نیز موفق‌اند.

بخش اول کتاب راجع به آموزش و اثر آن بر انتقال (عدم انتقال) بین نسلی درآمد بحث می‌کند. آموزش دولتی در قالب پرداخت‌های انتقالی بین نسلی منجر به کاهش

۱. در این مورد برای مثال مراجعه کنید به: Atkinson and Piketty (2007); Atkinson, Piketty and Saez (2011)

2. public education

3. redistributive policy measures

۴. همان‌طور که ویزاکر (Weizsäcker, 1999) بیان کرد، برابری فرصت در این مفهوم به معنای شانس یکسان زندگی برای همه شهروندان در زمینه تحصیل، شغل و سایر ابعاد پیشرفت شخصی است.

۵. برای مثال ببینید: Solon (2004)

نابرابری اقتصادی موجود بین نسل‌ها می‌شود. ابتدا این موضوع از جنبه نظری تحلیل می‌شود که آیا سیاست‌های آموزشی که گرایش دارند برابری فرصت را گسترش دهند، انتقال بین نسلی درآمد را نیز افزایش می‌دهند. علاوه بر اثر مستقیم آموزش دولتی بر درجه انتقال بین نسلی، یک اثر غیر مستقیم نیز وجود دارد زیرا [آموزش دولتی] بر تصمیم والدین درباره میزان سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی فرزند مؤثر است. در اینجا، والدین با تبادل میان مصرف خودشان و سطح بالاتر درآمد فرزندشان در آینده که از طریق سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی فرزند حاصل می‌شود، مواجه هستند. این موضوع که آیا آموزش دولتی در افزایش انتقال بین نسلی موفق است، قطعاً به چگونگی واکنش والدین به این اقدامات سیاستی بستگی دارد. اگر آموزش دولتی از طریق کاهش سرمایه‌گذاری خصوصی در سرمایه انسانی، ارتباط والدین با فرزند را ضعیف کند، از اهمیت زمینه خانوادگی کاسته خواهد شد و انتقال افزایش خواهد یافت.

سرمایه انسانی فرد قطعاً بر "سازماندهی" و "مقیاس" اثر می‌گذارد، فارغ از اینکه این سرمایه از طریق سرمایه‌گذاری دولتی تشکیل شده باشد. از طریق سرمایه‌گذاری خصوصی. با توجه به اهمیت انباشت سرمایه انسانی، میزان توضیح دهنده‌گی انتقال بین نسلی نابرابری درآمد توسط عواملی همچون آموزش و شغل، از منظر تجربی در آلمان مورد بررسی واقع می‌شود. عدم انتقال شایعی که به یکی از این عوامل نسبت داده می‌شود شامل دو جزء است. مثلاً در مورد عامل آموزش، این امر بستگی دارد به (۱) میزان اثرگذاری والدین بر موفقیت تحصیلی و (۲) بازدهی سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی. این بررسی در امتداد شواهد بین‌المللی نشان می‌دهد که آموزش و شغل عوامل اصلی دخیل در عدم انتقال بین نسلی موجود در آلمان هستند.

بخش دوم کتاب به تأثیر باورهای اجتماعی درباره عوامل تعیین‌کننده موفقیت اقتصادی اشخاص در جامعه توجه دارد. اگر در مورد عوامل اصلی موفقیت در جامعه ناطمینانی وجود داشته باشد، باورهای فرد راجع به وزن نسبی این عوامل بر اساس تجربه‌های شخصی در زمینه انتقال بین نسلی درآمد شکل می‌گیرد. در جوامعی که بجای عوامل تعیین‌شده به طور برون‌زا به عوامل تعیین‌شده توسط خود افراد وزن زیادی داده می‌شود، مردم آن جامعه

تمایل دارند که به میزان زیادی در تلاش کاری سرمایه‌گذاری کنند اما از بازتوزیع در مقیاسی وسیع دوری گزینند.

در هنگام فراهم آوردن فرصت‌های برابرتر، تقاضای جامعه برای بازتوزیع کاهش می‌یابد زیرا ظاهراً درآمد به طرز منصفانه‌تری توزیع می‌شود. با وجود این، اثر کل بر تلاش فرد مبهم است و تا حد زیادی به باورهای اجتماعی بستگی دارد. هر دوی نابرابری کنونی در فرصت‌ها و انگیزه‌های کار کردن به طرز معناداری بر انتقال بین نسلی درآمد تأثیر دارند. از این رو، آن دسته از اقدامات سیاستی که برابری فرصت را افزایش می‌دهند همیشه انتقال درآمد را تشدید نمی‌کنند. چنین اقداماتی در جوامعی که از اعتقاد بسیار قوی به خودکفایی و نه به تعیین برون‌زا برخوردارند، انتقال بین نسلی را کاهش می‌دهند.

پرسش محوری که در قالب تأثیر اقدامات سیاستی بر انتقال بین نسلی انعکاس می‌یابد، هر دو بخش تلاش را به هم پیوند می‌دهد. ارتباط اقتصادی والدین و فرزند از چند مجرا کار می‌کند. همه اقدامات سیاستی بازتوزیعی لزوماً انتقال بین نسلی درآمد را افزایش نمی‌دهند. این موضوع که اقدامات سیاستی به افزایش انتقال منجر می‌شوند، به توانایی آنها در کاهش اثر زمینه خانوادگی، رابطه با شرف فرد یا تصمیم فرد بستگی دارد.

بررسی‌هایی که در هر دو بخش این کتاب انجام می‌شوند مبتنی بر چند فرض مشترک هستند که یکی از آنها نوع دوستی سلسله‌ای است. این مطلب بیان‌گر این واقعیت است که والدین هم به مصرف خودشان و هم به مصرف انتظامی فرزندان‌شان توجه دارند.^۱ این امر والدین را برمی‌انگیزد که در سرمایه‌انسانی فرزندان‌شان سرمایه‌گذاری کنند (بخش اول) و به طرزی اساسی بر انگیزه کار کردن و ترجیحات فردی در ارتباط با بازتوزیع تأثیر بگذارند (بخش دوم). در ارتباط با مورد اخیر، میزان نوع دوستی سلسله‌ای تعیین‌کننده‌ای در موفقیت اقدامات سیاستی فراهم آورنده فرصت‌های برابرتر دارد تا از این طریق انتقال بین نسلی درآمد افزایش یابد.

1. self-determination

۲. بزو (Barro, 1974) امکان نوع دوستی سلسله‌ای را در نظر می‌گیرد به طوری که نسل‌های فعلی و آینده از طریق انتقال‌های بین نسلی به یکدیگر مرتبط می‌شوند.